

تأثیر محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران در نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیا

مهدی نبوی^۱

حسن خداوردی^۲

گارینه کشیشیان سیرکی^۳

رضا سیمبر^۴

چکیده

پژوهش حاضر با تلفیق روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی مبتنی بر پرسشنامه به این سؤال بنیادین در سیاست خارجی ج.ا.ایران می‌پردازد که فرصت‌ها و چالش‌های محور مقاومت برای امنیت ملی ج.ا.ایران چیست؟ در این ارتباط، با مطالعه سوابق در پرتو نظریه موازنه تهدید استفن والت، ۴۳ شاخص‌های تأثیرگذار (فرصت/ظرفیت و چالش/تهدید) محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران استخراج و سپس این شاخص‌ها در قالب پرسشنامه محقق ساخته براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت، به‌منظور سنجش میزان تأثیرگذاری آن‌ها در اختیار صاحب‌نظران داخلی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محور مقاومت، با توجه به افزایش توانمندی‌های دفاعی و نظامی؛ توسعه گفتمان انقلاب اسلامی؛ ارتقای هویت اسلامی، افزایش امکان چانه‌زنی با ائتلاف رقیب، پاسخ مناسب و سریع به تهدیدات، درگیرکردن دشمنان در جغرافیایی پیرامون خود، ایجاد قدرت مانور بالاتر، برخورداری از توانمندی نظامی ویژه و ایدئولوژی دامن‌گستر و همچنین عدم تردید در نیات تهاجمی و قاطعیت این نیروها برای واردکردن ضربه دوم و اقدامات تلافی‌جویانه علیه دشمنان ایران بر امنیت ملی این کشور تأثیر مثبت می‌گذارد و درعین حال از منظر برچسب تروریستی‌زدن به نیروهای مقاومت و افزایش تحریم‌های علیه ایران، تشدید ائتلاف سیاسی دشمن در منطقه، تحمیل هزینه‌های نظامی، محدود شدن قدرت مانور به فضای ژئوپلیتیکی شیعه و شیعه‌هراسی، زیرسؤال رفتن همکاری بلندمدت با دولت‌های منطقه، امکان بروز اختلاف درونی در محور مقاومت، افزایش سطح درگیری‌ها و تنش‌ها با دولت‌های منطقه و فرمانطقه، خطر بروز جنگ، تقویت جبهه دشمن و رقیب برای امنیت ملی ج.ا.ایران چالش و تهدید می‌آفریند.

واژگان کلیدی: محور مقاومت، ج.ا.ایران، منطقه غرب آسیا، آمریکا، امنیت ملی.

جستار گشایی

منطقه غرب آسیا در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود فاقد ظرفیت لازم برای بهره‌مندی از نظامی نهادینه بوده است. در هر دوره تاریخی از نظم جهانی، مرزهای سیاسی و راهبردی غرب آسیا از دخالت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای تأثیر جدی پذیرفته و دچار تحولات اساسی شده است. در طول دو قرن گذشته منطقه غرب آسیا در مقایسه با سایر مناطق نظام بین‌الملل در معرض سیاست‌های قدرت بزرگی بوده است و این تجربه سیاسی، اساس و بنیان اکثر تحولات، رفتارها و کنش و واکنش‌های موجود در این منطقه به شمار آمده و از تأسیس نظامی منطقه‌ای و با ثبات جلوگیری به عمل آورده است (Dehshiri and Maghami, 2016: 158). تغییرات و تحولات ژئوپلیتیکی در حوزه منازعات منطقه غرب آسیا در طی دوران ۶۰ سال گذشته از شدت بالایی برخوردار بوده است. در این راستا، الگوهای رقیب بسیاری سر برآورده است و هیچ‌یک از الگوها یا ائتلاف‌ها و اتحادها، توان حذف دیگری را نداشته است. همچنین در میان قدرت‌های این منطقه دستیابی به اجماع، امری کاملاً دشوار بوده است. به‌طورکلی، اصل سامان بخش و نظم دهنده در روندها و پویایی‌های امنیتی غرب آسیا وجود ندارد. علاوه‌براین، ذهنیت و برداشت امنیتی نیز بر شکل‌گیری و یا فزونی ساختن همکاری موجود را تأثیر منفی گذاشته و مدارهای درگیری، منازعه و تنش و تهدید را پر رنگ‌تر می‌کند (Salem, 2014). هم‌اکنون محورهای منازعه در صحنه سیاسی - امنیتی غرب آسیا بسیار پیچیده و ائتلاف‌ها و اردوگاه‌های مختلفی بر مدارهای گوناگون قابل شناسایی است. در این نظام به ویژه پس از بیداری اسلامی، صف‌بندی و اتحادها و ائتلاف‌ها به شکل روشن‌تری با یکدیگر رقابت می‌کند. در این راستا، مدل ایرانی خود را در قالب محور مقاومت و در تقابل با آمریکا، رژیم صهیونیستی و جریان سازش کار روبه‌رشد در میان کشورهای منطقه تعریف می‌کند. ایران در قالب محور مقاومت جالب‌ترین و پیچیده‌ترین نمونه شبکه حامی معاصر را در دنیا ارائه داده است و هم‌اکنون محور مقاومت به عنوان عنصر کلیدی دفاعی و بازدارندگی این کشور عمل می‌کند. این کشور با جذب، آموزش و مشاوره شبه نظامیان، شبکه‌ای از متحدان غیردولتی، متعهد ایدئولوژیک ایجاد کرده است تا از دستور کار انقلابی آن علیه رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و قدرت‌های متخاصم غربی حمایت کنند (McInnis, 2016). این شبکه نیروهای بسیج مردمی ایران در محور مقاومت، یک نیروی سهمگین است که از ده‌ها هزار جنگجو تشکیل شده است و در سراسر غرب آسیا و آسیای جنوبی گسترش یافته و با آفریقا و آمریکای لاتین ارتباط و نفوذ دارد. این شبکه ایران این امکان را می‌دهد که در سراسر منطقه حضور و قدرت داشته باشد و دشمنان خود را باز داشته و آزار دهد (Tabatabai & Others, 2021: 1).

هرچند نگاه ایران در سیاست خارجی خویش در قبال مقاومت اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش،

نگاهی کاملاً انسان‌دوستانه و در راستای انجام وظایف ایدئولوژیکی - مکتبی است، اما این موضوع هیچگونه مغایرتی با تأمین امنیت ملی ایران و کشورهای منطقه ندارد (شاه قلیان قهفرخی و سلیمانی، ۱۳۹۹: ۷۸). در کنار جنبه‌های انسان‌دوستانه و بعد معنوی دینی و مذهبی، همکاری ایران با محور مقاومت، واکنشی به ادراک تهدیداتی است که در فضای منطقه‌ای غرب آسیا برعلیه آن شکل گرفته است و از منظر این همکاری ابتدا به ساکن ماهیت تهاجمی نداشته است و این پشتیبانی به منظور بازدارندگی در برابر قدرت‌های تهدیدگر در محیط منطقه‌ای به وجود آمده است. نیات و انگیزه‌های تهاجمی نظام سلطه، آمریکا و همپیمانان منطقه‌ای آن در محیط امنیتی ایران، حکایت از آن دارد که این کشور در درک تهدیدات به درستی عمل کرده و به همین دلیل، به موازنه‌سازی در معادلات امنیتی منطقه برای ایجاد بازدارندگی روی آورده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۱).

پژوهش حاضر با تلفیق روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی مبتنی بر پرسشنامه به این سؤال بنیادین در سیاست خارجی ج.ا.ایران می‌پردازد که ظرفیت‌ها و فرصت‌های محور مقاومت و تهدیدات و چالش‌های توسعه و تعامل با این محور برای امنیت ملی ایران چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای شاخص‌های تأثیرگذاری محور مقاومت (فرصت/ظرفیت و چالش/تهدید) بر امنیت ملی ج.ا.ایران به عنوان یک نیروی توازن‌بخش در پرتو نظریه موازنه تهدید استفن والت^۱ استخراج و سپس این شاخص‌ها در قالب پرسشنامه محقق‌ساخته (توزیع ۵۰ پرسشنامه) براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت، به منظور سنجش میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر امنیت ملی ج.ا.ایران در اختیار صاحب‌نظران داخلی قرار گرفت.

درخصوص رابطه دو متغیر محور مقاومت و امنیت ملی ج.ا.ایران و فرصت‌ها و چالش‌های آن پژوهش‌های مختلفی و اغلب پراکنده‌ای به شرح زیر صورت گرفته است:

شکوری و وزیریان (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای در چارچوب نظری متأثر از مفهوم قدرت منطقه‌ای به بررسی عوامل موثر بر ارتقاء قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران پرداخته و معتقدند که اتخاذ هویت شیعی در مقابل دگر هویتی سلفی و اخوانی باعث شکل‌گیری بلوک هویتی متمایز و افزایش ضریب نفوذ منطقه‌ای ایران شده است. باقری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای استدلال می‌کنند که اتحاد ج.ا.ایران با حزب الله منجر به تأمین منافع راهبردی ایران شامل پیشینه‌سازی قدرت و امنیت، افزایش عمق راهبردی و قدرت بازدارندگی ج.ا.ایران، مقابله با هژمونی رژیم صهیونیستی و آمریکا در خاورمیانه، کاهش ضریب امنیت ملی رژیم غاصب، حفظ محور مقاومت و گسترش شبکه متحدان شده است.

قاسمی (۱۳۹۷) در پژوهشی اشاره می‌کند که محور مقاومت، منطقه راهبردی ج.ا.ایران به شمار می‌رود و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در محور مقاومت، سبب تقویت امنیت ملی ایران خواهد شد.

1. Stephen Walt

کریمی (۱۳۹۶) در پژوهشی در چارچوب مکتب کپنهاگ به بررسی نقش ج.ا.ایران در شکل‌گیری مجموعه امنیتی محور مقاومت پرداخته و نشان می‌دهد که مجموعه امنیتی محور مقاومت به عنوان یکی از زیر شاخه‌های مجموعه امنیتی در منطقه غرب آسیا توانسته است، نظم امنیتی این منطقه را تغییر و منافع آمریکا و متحدانش در منطقه را تضعیف نماید.

ربیعی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با بهره‌گیری از نظریه موازنه تهدید معتقدند بحران سوریه در تقابل با منافع راهبردی ایران قرار داشته و وضعیت آن در محاسبات کشورهای درگیر بحران تبدیل به بازی با حاصل جمع جبری صفر شد. در این فضا تداوم بحران، تهدیدات امنیتی ایران را افزایش و در نتیجه ضریب امنیت ملی را کاهش می‌داد. مهمترین تهدیدات منبعث از بحران سوریه را می‌توان در تضعیف متحد راهبردی ایران (سوریه) و در نتیجه تضعیف محور مقاومت تلقی کرد.

آدمی و کشاورز مقدم (۱۳۹۴) در قالب نظریات مکتب کپنهاگ و نظریه امنیتی بری بوزان نشان می‌دهند که سرنگونی دولت بشار اسد و دولت شیعی عراق به عنوان کشورهایی که عضو محور مقاومت هستند، سبب تضعیف محور مقاومت، گفتمان شیعه، انزوای بین‌المللی ج.ا.ایران و برتری یافتن عربستان در منطقه و کاهش ضریب امنیتی ایران در منطقه می‌شود.

بیات (۱۳۹۱) در پژوهش خود با تأکید بر ایدئولوژی صدور انقلاب در جریان بیداری اسلامی به ویژه در یمن و پذیرش آن توسط جریان الحوثی آن را باعث گسترش عمق نفوذ راهبردی ج.ا.ایران و تهدید امنیت ملی عربستان سعودی در سایه این تحولات بر می‌شمارد.

گلشنی و باقری (۱۳۹۱) با عنایت به سه متغیر افزایش عمق راهبردی ایران، افت ضریب امنیت نظامی رژیم غاصب صهیونیستی و کاهش احتمال حمله نظامی به ایران، به این نتیجه می‌رسند که پیگیری سیاست حمایت از حزب ... موجب تضعیف موقعیت و امنیت ملی رژیم صهیونیستی شده است.

همانطور که بررسی سوابق بالا نشان می‌دهد، ابعاد مختلف مثبت و منفی محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران مورد واکاوی قرار نگرفته است.

مفاهیم و مبانی نظری

استفاده از نظریه‌ها، چارچوب و انسجام ذهنی لازم را برای طرح داده‌های پراکنده در حوزه تحلیلی فراهم می‌کند. این پژوهش نیز مانند اکثر تحلیل‌های سیاسی، بنا و اساس خود را براساس یک نظریه متعارف در روابط بین‌الملل پیش می‌برد که اعتبار و روایی آن در قالب آثار پژوهشی مختلف سنجیده شده است. در راستای این مهم، نظریه موازنه تهدید استفن والت در کتاب ریشه اتحادها انتخاب شده است.

براساس نظر والت، دولت‌ها در وضعیت اقتدارگرایی، رفتار تهاجمی را کنار خواهند گذاشت و تنها در فضایی که احساس تهدید علیه خود کنند، در قبال آن در مقام پاسخ بر می‌آیند و این واکنش نیز در حد

و اندازه برقراری موازنه و بازدارندگی علیه تهدیدگر است. همچنین تنها زمانی که معمای امنیت پیچیده گردد و خیلی جدی به نظر آید، پاسخ شدید از جمله جنگ و منازعه بروز می‌دهند (Elman, 2007: 16-18). در این راستا، به کارگیری ابزار قدرت علیه دیگر بازیگران رقیب باید صرفاً در شرایطی خاص نظیر (۱) محدود بودن هزینه‌های آن؛ (۲) کمتر بودن خطر اقدامات نظامی از مطلوبیتی که از آن حاصل می‌گردد؛ (۳) و به وجود نیامدن خلاء قدرت، صورت پذیرد (Walt, 2012: 2-5).

در عوض - دولت‌ها - اتحادها را در وضعیتی اقتدارگیز برای حفاظت از خودشان شکل می‌دهند. رفتار دولت‌ها به واسطه تهدیداتی که آن‌ها دریافت می‌کنند تعیین می‌گردد و قدرت دولت‌های دیگر، تنها جزئی از محاسبات آن‌ها به حساب می‌آید. والت اشاره می‌کند که دولت‌ها تهدیدات مطرح از سوی دولت‌های دیگر را به وسیله قدرت نسبی خودشان، نزدیکی، مقاصد و موازنه تهاجمی - دفاعی برآورد می‌کنند. این چهار عامل با یکدیگر توضیح می‌دهند که چرا هژمون‌های بالقوه‌ای چون فرانسه ناپلئون، آلمان وایلهلم و آلمان نازی در نهایت با اتحادهای قاطعی روبه‌رو شدند، زیرا هریک از این دولت‌ها، یک قدرت بزرگی بودند که در یک منطقه نزدیک هم قرار می‌گرفتند و هریک از آن‌ها قابلیت‌های بسیار تهاجمی را با اهداف تجاوزکارانه ترکیب کرده بودند (Walt, 2000: 201).

پس دولت‌ها به تهدیدها واکنش نشان می‌دهند نه به قدرت. به این ترتیب، نظریه «موازنه تهدید» با فرض اصلی نظریه «موازنه قدرت» که یک اصل اساسی مباحث کلاسیک و نئورئالیستی روابط بین الملل است، مخالفت می‌کند و پیش‌بینی می‌نماید که دولت‌ها تلاش دارند تا از یک هژمون بالقوه با ایجاد موازنه در برابر آن جلوگیری کنند (Waltz, 1979: 118-121).

به عقیده والت سه کشور ضعیف زمانی در برابر یک کشور قدرتمندتر دست به اتحاد می‌زنند که این کشور قدرتمندتر تهدیدی بر علیه آن به شمار آید (Goodrich, 2004: 1-2).

البته کشورها در برابر منشاء اصلی تهدید سناریوی دیگری به جز موازنه هم دارند و آن اینکه سیاست همراهی یا بند واگنی با دولت و قدرتی که تهدید اصلی را اعمال می‌نماید، در پیش گیرند (Walt, 1985: 4). همانطور که اشاره شد، والت چهار مؤلفه به شرح زیر را به عنوان عوامل ایجاد کننده موازنه تهدید در نظرمی‌گیرد:

قدرت متراکم یا کلی: منابع قدرت بازیگران، یکی از عوامل تهدید است و منظور والت از این منابع، همان عناصر قدرت سنتی شامل جمعیت، توانایی‌های نظامی و صنعتی و قدرت تکنولوژیکی است. در این شرایط بازیگرانی که از قدرت فراوانی برخوردار باشند، قابلیت آن را می‌یابند که دشمنان خود را مجازات نمایند و به دوستان خود پاداش رسانند (Walt, 1987: 22-23).

فاصله جغرافیایی و مجاورت: مطابق با نظر والت، توانایی کشورها برای به کارگیری قدرت با افزایش فاصله

جغرافیایی کاهش می‌یابد و به این ترتیب دولت‌های نزدیک‌تر در برابر دولت‌های با فاصله جغرافیایی دورتر تهدید آمیزتر به شمار می‌آیند. اگر میزان دیگر منابع قدرت کشورها با هم یکسان باشد، در آن شرایط امکان اینکه کشورها در پاسخ به قدرت در فاصله جغرافیایی نزدیک‌تر روبه اتحاد بیاورند، بیشتر به نظر می‌آید (Walt, 1987: 23).

قدرت تهاجمی: اگر میزان دیگر منابع قدرت کشورها با یکدیگر برابر باشد، امکان بیشتری وجود دارد که دولت‌های دارای توانایی‌های تهاجمی بیشتر به ایجاد اتحاد دست بزنند. البته قدرت تهاجمی با منابع قدرت فی نفسه و فاصله و قرابت جغرافیایی مرتبط است، اما کاملاً با آن برابر نیست. در اینجا قدرت تهاجمی دارای این توانمندی است که حاکمیت یا یکپارچگی سرزمینی کشور دیگر را تهدید نماید. تهدید فوری که از این توانایی‌های تهاجمی شکل می‌گیرد، انگیزه بسیاری قدرتمندی به دیگر کشورها برای ایجاد موازنه علیه کشورهای تهدیدگر فراهم می‌کند (Walt, 1987: 24).

نیات تهاجمی: براساس نظر والت، اگر کشورها، کشور دیگری را به عنوان یک کشور تهاجمی و جنگ‌طلب در نظر بگیرند، این امکان بیشتر می‌شود که در برابر آن به موازنه روی آورند. در این شرایط، حتی اگر کشوری در رده کشورهای دارای توانایی‌های متوسط و معمولی هم قرار داشته باشد، باز می‌تواند دیگر دولت‌ها را به موازنه در برابر خودش وادارد. به عبارت دیگر، تصورات از نیات دیگر کنشگران عنصری مهم در گزینش اتحادها و ائتلاف‌ها به شمار می‌آید (Walt, 1987: 25).

ارزیابی تأثیر محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران: کاربست نظریه موازنه تهدید جایگاه محور مقاومت را در نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیا ترسیم می‌کند. در ابتدا باید اشاره داشت که همواره اشکال مختلفی از کارزارها، اتحادها و ائتلاف‌ها در غرب آسیا ظهور و با عمری کوتاه جای خود را به آرایش و صف‌بندی جدید می‌دهد. به نظر والت، تعهدات متحدین در غرب آسیا بارها فقط در دوران پس از جنگ و در بازه زمانی مدنظر وی در طی ۲۴ سال (۱۹۵۵ تا ۱۹۷۹) تغییر کرده است و دولت‌ها براساس شرایط متغیر، رویدادهای داخلی و خارجی را مدیریت می‌نمودند (Walt, 1987: 12).

در گام نخست باید به موقعیت کانونی ج.ا.ایران پس از انقلاب اسلامی در تکوین محور مقاومت توجه داشت. به طور کلی، ظهور ج.ا.ایران در سال ۱۳۵۷ باعث قوام‌یابی هویت نوینی برای این بازیگر در سپهر داخلی و بین‌المللی شد، هویتی که با اهمیت‌ترین ساختار بین‌الذهانی تکوین بخش آن، هنجارهای ناشی از فرهنگ ایرانی - اسلامی بود و به همین دلیل و براساس هویت انقلابی - اسلامی که برای ایران به وجود آمد، معیارهای گوناگونی برای خودی‌ها و دگرها در سطوح فراملی و نیز ملی شکل گرفت و برپایه همین معیارها، مرزهای نوینی در میان دوستان و دشمنان، خلق و رویدادهای بیرونی (از جمله مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی) نیز تفسیر و تعبیر شد (Moshirzadeh, 2010: 156). در این راستا، برداشت ایران از تهدیدات، این کشور را به سمت راهبرد موازنه‌سازی در مقابل تهدیدگر در دهه‌های اخیر سوق داده است.

آنچه رفتار ایران را شکل می‌دهد، قدرت‌طلبی این کشور برای تأمین امنیت بیشتر نیست، زیرا افزایش قدرت آن، امنیت بیشتری برای آن در پی ندارد، بلکه وجود تهدید و ادراک نخبگان عالی‌رتبه سیاسی ایرانی از این تهدیدات است که نقش حائز اهمیتی در سیاست خارجی و امنیتی این کشور دارد (باقری‌نژاد و قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۰۵). از نظر والت، قدرت ایران در طول ۲۵ سال گذشته افزایش یافته است و برای مثال، ایران و سوریه در قالب محور مقاومت تلاش می‌کنند تا اقدامات آمریکا در منطقه غرب آسیا را با شکست روبه‌رو سازند. از این منظر، به دلیل رویکرد سازش‌ناپذیر ایالات متحده در قبال برنامه هسته‌ای ایران، این کشور که در سال ۲۰۰۰ هیچگونه سانتریفیوژی در اختیار نداشت، در سال ۲۰۱۵ صاحب ۱۹ هزار سانتریفیوژ گردید (Walt, 2018: 67).

یکی از موضوعات دیگر که در کاربست موازنه تهدید درباره موضوع محور مقاومت در معادلات امنیتی غرب آسیا حائز اهمیت است، ماهیت رسمی و غیررسمی بودن این ائتلاف و اتحاد است. از منظر والت، به دو علت، اتحادها صرفاً یک همکاری رسمی به شمار نمی‌آید. نخست اینکه اکثر کشورهای عصر حاضر از امضای پیمان‌های رسمی با متحدانشان واهمه دارند. دوم اینکه کلمه رسمی بیشتر از آن که به درکی بهتر از مسائل کمک کند، عمدتاً این واقعیت‌ها را دچار تحریف می‌سازد. از نظر وی، به‌رغم اینکه در اتحاد آمریکا و رژیم صهیونیستی و تعهدی که واشنگتن در قبال تل آویو دارد، تردیدی نیست، اما هرگز پیمان و توافق رسمی مکتوبی میان آن‌ها به نگارش در نیامده است (Walt, 1987: 12). در این راستا، محور مقاومت را باید فراتر از ائتلاف و اتحادهای رسمی کلاسیک و در قالب غیررسمی و نانوشته به رسمیت شناخت.

یکی از مباحث دیگری که در تلقی محور مقاومت به عنوان یک اتحاد براساس نظریه موازنه تهدید اهمیت دارد، وجود بازیگران دولتی و غیردولتی در این نظام امنیتی منطقه‌ای است. والت اتحاد را دسته‌بندی رسمی و غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت دارای حاکمیت مستقل در نظر می‌گیرد (Walt, 1987: 1)، اما در محور مقاومت، طرفین عضو اتحاد از لحاظ حقوقی همسان و یکسان یکدیگر به شمار نمی‌آیند. برخی از آن‌ها دولت‌های دارای حاکمیت مستقل هستند و برخی نیروهای عضو آن، فرودولتی و یا فرادولتی و دارای حاکمیت مستقل نیستند و در سراسر منطقه غرب آسیا و در درون و برون کشورهای این منطقه حضور دارند. در این راستا، کشورهای عضو محور مقاومت به عنوان بازیگران دولتی در قالب راهبرد «اتحاد» و گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی فروملی باتوجه به اقدامات اعتمادسازی ایران به این صف‌بندی ملحق می‌شوند. در این راستا، در این محور جدا از ایران، سوریه را در سطح بازیگران دولتی مشاهده می‌کنیم. ائتلاف سوریه با محور مقاومت، ناشی از علایق راهبردی و به ویژه تهدیدات امنیتی مشترک و نیاز متقابل به متحدان سیاسی قابل اعتماد ناشی می‌شود. مهمترین عامل، دو تهدید امنیتی عمده یعنی عربستان سعودی و رژیم غاصب صهیونیستی در جایگاه اتحاد و ائتلاف با آمریکا بوده

است. این تهدیدات امنیتی که از قابلیت تهاجمی برخوردار هستند (برای مثال، رژیم صهیونیستی در اشغال جولان و عربستان در جریان بحران داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱) دارای نیات تهاجمی نیز می‌باشند که در سیاست‌های اعلامی و اعلانی آن‌ها مشهود به نظر می‌آید (Gelbart, 2010: 41). براساس موازنه تهدید، حضور سوریه در اتحاد و ائتلاف محور مقاومت سبب گردید که در پی بحران این کشور از سال ۲۰۱۱، آینده نظام و عدم شکست آن در مقابل اهداف و نیات رژیم صهیونیستی و دولت‌هایی مثل عربستان سعودی و ترکیه برای ایران در چارچوب تفکر انقلاب اسلامی از لحاظ حفظ و تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی، توانمندسازی محور مقاومت، موازنه قدرت و ارتقای جبهه مقاومت بسیار با اهمیت شمرده شده است (HageAli, 2019: 2).

از سوی دیگر، گروه‌های غیردولتی نیز در محور مقاومت مشارکت دارند. در اینجا، وجود دشمن منطقه‌ای یعنی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن و همچنین رژیم صهیونیستی؛ ایران، کشورها و جنبش‌های منطقه‌ای را به سوی گسترش تعاملات منطقه‌ای به ویژه در چارچوب رسمی و غیررسمی و براساس راهبرد اتحاد و همراهی سوق داده است. حزب الله، نزدیکترین متحد عقیدتی و نظامی ایران و محور مقاومت به شمار می‌آید. شبه نظامیان و گروه‌های سیاسی مانند سازمان بدر و حشد الشعبی نیز طی یک دهه اخیر به متحدین سیاسی و نظامی محور مقاومت و ایران تبدیل گردیده‌اند و به عنوان متحدین میدان جنگ در عراق و سوریه تحت عنوان گروه مقاومت فعالیت داشته‌اند. همچنین شبه نظامیان کوچکتر مانند کتائب حزب الله در قرابت و هماهنگی بالایی با محور مقاومت قرار دارند و مأموریت‌های اطلاعاتی از جمله حفاظت از مکان‌های مقدس شیعیان یا ارتقای توانمندی در عملیات نظامی و دفاعی را به انجام می‌رسانند. فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان و چندین گروه کوچکتر نیز در ائتلاف با محور مقاومت قرار دارند. انصارالله (حوثی‌ها) که زمانی به عنوان نیروی فروملی در ساختار قدرت یمن عمل می‌کرد و امروز به نوعی قدرت را در این کشور به دست گرفته است، از متحدین دیگر محور مقاومت در غرب آسیا به شمار می‌آید و علی‌رغم اینکه در تصمیمات استقلال عمل بیشتری دارند، در عملیات‌های منطقه‌ای هم راستا با محور مقاومت رفتار می‌کنند.

قابلیت‌های محور مقاومت برای امنیت ملی ایران: ظرف غرب آسیا، بستری مناسبی برای آزمون امنیت کشورها در صف‌بندی‌ها و اتحادها فراهم می‌کند. در این راستا، محورهای چهارگانه نظریه موازنه تهدید که در بالا اشاره شد، چارچوب مناسبی در استخراج فرصت‌ها و قابلیت‌های محور مقاومت برای امنیت ملی ج.ا.ایران به دست می‌دهد.

ارتقای عناصر قدرت کلی برای اتحاد علیه دشمنان: وجود محور مقاومت، قابلیت‌های مختلفی از منظر تولید قدرت کلی و منابع کلاسیک قدرت (قدرت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی - نظامی و اجتماعی) برای امنیت ملی ایران شکل می‌دهد. از منظر جغرافیایی و سرزمینی (و نه مؤلفه مجاورت و نزدیکی)، محور

مقاومت با شکل دادن به حضور ایران در سراسر جهان اسلام به بخشی اساسی از راهبرد جنگ نامتقارن این کشور تبدیل شده است و قابلیت استفاده برای اهداف تهاجمی و دفاعی وسیعی دارد (Bahgat & Ehteshami, 2021: 14-197). به لحاظ جمعیتی، ایران در قالب محور مقاومت به جمعیت انبوه‌تر برای اتکاء دسترسی خواهد داشت. از منظر عنصر قدرت فرهنگی و اجتماعی، قرابت‌های اجتماعی و تثبیت و نهادینه‌شدن آن در بین مردم کشورهای منطقه متأثر از حضور نیروهای مقاومت می‌تواند با توسعه گفتمان انقلاب اسلامی و ارتقای هویت اسلامی به عنوان یکی از اهداف مرجع امنیت اجتماعی در سطح کشورهای منطقه، برای امنیت ملی ایران تأثیر مثبت بگذارد. برای مثال، نفوذ فرهنگی ناشی از فعالیتهای حزب‌الله در لبنان، زمینه‌های نفوذ سیاسی و نظامی ایران را فراهم ساخته است و تا جایی که هم‌اکنون حزب‌الله به عنوان عنصر بسیار پر قدرت و بازدارنده در ابعاد گوناگون، بازوی قدرتمند ایران در امور منطقه‌ای به شمار می‌آید.

به لحاظ دفاعی و نظامی، محور مقاومت، افزایش قدرت بازدارندگی، گسترش عمق راهبردی و استفاده از توان نیروهای مردمی منطقه را در مقابل دشمنان کشور فراهم می‌کند. مهمترین مزیت، این موضوع است که می‌تواند هزینه‌های سیاسی و مالی جنگ را برای ایران کاهش دهند، به ویژه در شرایطی که خطر درگیری گسترده‌تر و حمایت عمومی محدود از دخالت مستقیم نظامی وجود دارد (Mumford, 2013: 41-42).

کشور	نام نیروی مقاومت	تعداد نیرو
افغانستان	لشکر فاطمیون	۱۰ هزار تا ۱۵ هزار
عراق	کتاب حزب الله	۲۰ تا ۳۰ هزار
	سازمان بدر	۱۰ تا ۳۰ هزار
	عصائب اهل حق	۵ تا ۱۵ هزار
لبنان	حزب الله	۳۰ تا ۴۵ هزار
پاکستان	لشکر زینبیون	۲ تا ۵ هزار
فلسطین	حماس	۲۵ هزار
	جهاد اسلامی فلسطین	۱ تا ۸ هزار
سوریه	قوات الرضا	۳ تا ۳۵ هزار
	لشکر باقر	۳ هزار
یمن	جنبش انصارالله	۱۰ تا ۳۰ هزار
منبع: (Robinson and Merrow, March 1, 2021)		

به رغم شکنندگی وضعیت اقتصادی کشورهای عضو محور مقاومت، بسترهای بکر و ناب و بازارهای

غنی نیز در این مناطق وجود دارد. برای مثال، عراق در سال‌های اخیر به مهمترین شریک تجاری ایران در صادرات غیرنفتی به ویژه برای دور زدن تحریم‌ها تبدیل شده است.

قرار گرفتن در مجاورت و فاصله نزدیک جغرافیایی با دشمنان: امروزه نیروهای محور مقاومت هریک در حوزه‌های جغرافیایی مختلفی در غرب آسیا پراکنده هستند. این پراکندگی محور در فاصله نزدیک جغرافیایی به دشمنان ایران بر امنیت ملی آن مؤثر است که عبارتند از: الف) امکان چانه‌زنی ایران را در عرصه منطقه‌ای با اردوگاه رقیب و رقبا افزایش می‌دهد؛ ب) مقاومت بیشتر در برابر فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل از سوی رقبای می‌گردد؛ پ) پاسخ مناسب و سریع به هرگونه تهدید از سوی دشمنان را در مواقع بحرانی امکان‌پذیر می‌کند؛ ج) درگیر کردن دشمنان در محدوده جغرافیایی پیرامون آن د) جلوگیری از تهدیدات نظامی و غیرنظامی دشمن در منطقه جغرافیایی را در پی دارد. این موضوع به طبع، قدرت مانور ایران را در مقابل دشمنان افزایش خواهد داد، زیرا تنوع حضور در پیرامون حریف به منظور ضربه زدن، تهدید علیه دشمنان را بالاتر خواهد برد و به عنوان اهرم فشاری عمل خواهد کرد که در مواقع لزوم، تحقق بازدارندگی را در مقابل فشارهای موجود بر امنیت ملی ایران ایجاد می‌کند. به طور قطع، دفع خطر و تهدید بدون حضور مستقیم در مرزهای دشمن، یکی از قابلیت‌های دفاعی و نظامی است که هر کشور قدرتمندی به دنبال آن است و این فاصله نزدیک نیروهای مقاومت با سرحدات دشمنان ایران، کمک فوق را به امنیت ملی ایران می‌کند. بنابراین تهدیدات از ایران فاصله می‌گیرند و خط دفاعی و خاکریز تهاجمی نزدیک هدف می‌شود و می‌توان سایه تهدید حمله به خاک و سرزمین دشمن را همواره بر سر آنها قرار داد. به طور کلی، مدیریت بحران‌ها در حیاط خلوت سایر بازیگران یک اصل راهبردی است که ایران از طریق محور مقاومت و در راستای افزایش قدرت بازدارندگی خود از آن استفاده می‌کند (Mohseni and Ahmadian, 2018).

برای مثال، جنوب لبنان در کنار نوار غزه، آخرین خط مقدم فعال بین اعراب و رژیم غاصب است (Balanche, 2019: 30-31) و حضور حزب‌الله در این کشور به دلیل مهم فاصله و مجاورت آن با رژیم صهیونیستی برای ایران در درگیری‌های منطقه‌ای و اقدام نظامی اهمیت بسیار دارد. البته در سال ۲۰۱۸، نیروهای دولت سوریه کنترل بخش سوری بلندی‌های جولان و هم مرز با رژیم غاصب را باز پس گرفتند. پس از این پیروزی، حزب‌الله شروع به ایجاد هسته‌ها و شبه‌نظامیان در این منطقه کرد. این گروه تسلیحات و موشک‌های قابل توجهی را در بلندی‌های جولان در مجاورت سرزمین‌های تحت کنترل رژیم صهیونیستی پیاده کرده است (Mapping Militant Organizations, 2019).

مثالی دیگر، دولت سوریه است که از ابتدا معاهده صلح با رژیم صهیونیستی را امضا نکرده و به این ترتیب، دشمن عربی این رژیم تلقی می‌شود (Inbar, 2013: 1-4) و امروزه به عنوان یکی از عضو متحد محور مقاومت، از منظرهای مختلفی از جمله مجاورت آن با رژیم غاصب برای امنیت ملی ایران مهم است. در پایان باید به مجاورت و توسعه مرکز ثقل قدرت انصارالله یمن در حاشیه مرزهای عربستان سعودی در

شبه جزیره عرب اشاره داشت. سه استان جیزان، نجران و عسیر استان‌هایی به شمار می‌آیند که از یمن جدا شده و ازمنظر دولت عربستان همجواری این استان‌ها با مناطق تحت سلطه انصارالله، بزرگترین اهرم فشار را در اختیار ایران قرار می‌دهد (حسینی‌فهرجی و دهشیری، ۱۳۹۹: ۱۶۹).

قدرت تهاجمی محور مقاومت: محور مقاومت توانمندی نظامی ویژه و ایدئولوژی دامن‌گستر و از قدرت بسیجی منحصربه‌فردی برخوردار است که می‌تواند تهدید فوری برای جریان رقیب در معادلات امنیتی منطقه‌ای باشد.

توانمندی نظامی ویژه: سطح تهدید این توانمندی بالاتر از سطح عناصر قدرت کلاسیک، بلکه بیشتر قابلیت‌هایی با تهدید فوری بر دشمنان است. برای مثال، توانمندی موشکی حزب‌الله در دهه اول سال ۲۰۰۰، نوعی تهدید فوری بر علیه رژیم غاصب بود. این گروه از زمان جنگ در سال ۲۰۰۶ که نزدیک به ۴ هزار موشک به سمت رژیم صهیونیستی شلیک کرد، همواره قابلیت‌های موشکی خود را افزایش داده و برآوردهای کنونی حکایت از آن دارد که در حال حاضر این جنبش مقاومت ۱۵۰ هزار موشک و راکت و موشک‌های هدایت‌شونده دقیق در اختیار دارد که توانایی حمله به هر نقطه از اراضی اشغالی را برای آن فراهم می‌کند. علاوه بر این، حزب‌الله لبنان علاوه بر سیستم‌های موشکی قابل حمل مانند SA-7 و SA-14، دارای سیستم‌های پیشرفته‌ای مانند SA-8، SA-17 و SA-22 است (American Jewish Committee, no date) که تهدیدات فوری برای رقبای دشمنان ایران در منطقه ایجاد می‌کند. در کنار این‌ها بایستی به قدرت جدید پهبادی این جنبش اشاره کرد که مانورهای اخیر آن بر فراز رژیم صهیونیستی، عنصر تهدید فوری دیگری برای این رژیم شکل داده است.

علاوه بر این، باید به توسعه توان موشکی حماس و بازدارندگی نسبی و تهدیدزای آن در برابر رژیم صهیونیستی اشاره داشت. این جنبش از سال ۲۰۰۸ به بعد توانایی موشکی بالایی برخوردار شده و این قابلیت را دارد که روزانه هزاران موشک به سمت رژیم غاصب پرتاب کند. این جنبش با دستیابی به موشک فجر ۵ با برد ۷۵ کیلومتر (سال ۲۰۱۲) و موشک خیبر ۱ با برد ۱۶۰ کیلومتر (از سال ۲۰۱۴) که در اختیار دارد، قادر شد که شهرهای مهم رژیم صهیونیستی، حیفا و حتی نیروگاه هسته‌ای دیمونا را در تیررس موشک‌های خود قرار دهد. پرتاب این موشک‌ها توسط حماس می‌تواند فشارهای متعدد روانی و احساس ناامنی را تشدید کند و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی در رژیم غاصب را در پی داشته باشد (Stratfor Worldview, 2014).

هم‌اکنون انصارالله یمن بعد از چند سال درگیری نیروهای دولت منصور هادی و دول عربستان و امارات، پس از افزایش روز افزون قدرت موشکی نیروهای خود و شدت دادن به حملات موشکی علیه دشمن تا عمق پایتخت عربستان و حتی امارات و تأسیسات انرژی و نفتی این کشورها، بازدارندگی را به نفع خود

برگرداند. در این راستا، انصارالله از سال ۲۰۲۰ تصمیم به آغاز سلسله عملیات‌هایی تحت عنوان «موازنه بازدارندگی» علیه عربستان گرفت. این عملیات‌ها توانسته معادلات نبرد را کاملاً دگرگون کرده و آن‌ها را در موضع دفاعی قرار دهد. (مرادی، ۱۴۰۰).

روحیه ایدئولوژیک و قدرت بسیج مردمی: از منظر توانمندی ایدئولوژیک و گفتمان دامن‌گستر خاص می‌توان به قدرت فزاینده و نفوذگفتمان انقلاب اسلامی در میان نیروهای مقاومت اشاره کرد که از قابلیت الگوسازی و مبدل شدن به یک شاخص برخورددار است. این خصوصیت بارز نیروهای شبه نظامی مقاومت، در مواقع لازم می‌تواند قدرت بسیج و قابلیت نظامی ویژه‌ای به لحاظ انگیزشی و عنصر شجاعت برای حمایت از ایران و احساس تردید و ترس در جبهه دشمنان و رقبای آن به لحاظ توازن منطقه‌ای شکل دهد. علاوه بر این، توانمندی محور مقاومت در بسیج مردمی را باید فراتر از دسترسی صرف به جمعیتی انبوه (در معنای منابع کلاسیک قدرت)، تهدید فوری برای نظام سلطه، کشورهای حامی آن و رژیم صهیونیستی در منطقه در نظر گرفت. برای مثال، پس از بحران گروه‌های تکفیری و تروریستی داعش در سوریه و عراق، نیروهای بسیج مردمی در عراق و نیروی دفاع وطنی در سوریه با الگوبرداری از نیروهای مقاومت بسیج ایران به سرعت شکل گرفت. برآوردها حکایت از آن دارد تا سال ۲۰۱۶، ایران بیش از ۲۵۰ هزار نیرو در شبکه حامی خود در محور مقاومت داشت، از جمله گروه‌هایی که از افغانستان و پاکستان و همچنین غرب آسیا استفاده شده بودند (Wither, 2020: 20). این بسیج مردمی محور مقاومت که محصور به مرزهای سنتی نیست و قدرت فراگیری بالایی دارد، هم‌اکنون عنصر کلیدی در تحول نفوذ منطقه‌ای ایران در سراسر غرب آسیا به شمار می‌آید (Cordesman and Grace, 2019: 73). در میان نیروها، نوعی برنامه هدفمند و همسویی وجود دارد که توان اقدام در برابر منافع ایران در منطقه را برای دشمنان و رقبای آن پرهزینه و دشوار می‌کند (Carmi, 2017). به طور کلی، شبکه نیروهای بسیج مردمی ایران در محور مقاومت، متشکل از گروه‌های متنوع و نامتجانس است که در ماهیت و میزان پشتیبانی ارائه‌شده و سطح فرماندهی و کنترل تهران بر هر گروه منعکس می‌شود. این شبکه قوی‌ترین عامل بازدارنده تهران در برابر ایالات متحده و رقبا شامل رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز به شمار می‌آید (Tabatabai & Others, 2021: 1).

تصور و نیت تهاجمی محور مقاومت در معادلات منطقه‌ای و امنیت ملی ج.ا.ایران
اعلام نیت تهاجمی در سطح اعمالی که همواره در بین کنشگران عضو جبهه مقاومت از رهبران و دولت‌های حامی این ائتلاف با ایران وجود داشته است، منشأ تهدیدهای امنیتی جدی برای طرف مقابل است. این نیت تهاجمی در قبال رژیم صهیونیستی، آمریکا و دولت‌های سازشکار منطقه در شاعر و سخنرانی‌ها، تمرین‌های نظامی و همچنین ایستادگی نظامی و سیاسی نیروهای مقاومت در برابر رقبا و دشمنان ایران قابل مشاهده است.

همانطور که والت اشاره می‌کند دولت‌های دارای نیت تهاجمی در مقایسه با دولت‌های حافظ وضع موجود، متضمن تهدیدهای بیشتری هستند (Walt, 1987: 112). پس در گام نخست جبهه مقاومت به عنوان نیرو و گفتمان مخالف وضع موجود در منطقه، نیت تهاجمی بالاتری را به نمایش می‌گذارد. از منظری دیگر، محور مقاومت سطحی از توانایی تحمل را برای ایران شکل داده است که زمینه وارد کردن ضربه دوم و اقدامات تلافی‌جویانه علیه حریفان را برای آن فراهم کند. هدف قرار دادن مناطق حساس و حیاتی و راهبردی در عمق سرزمینی رژیم غاصب صهیونیستی از سوی متحدان ایران در واکنش به اقدامات خرابکارانه این رژیم علیه تأسیسات هسته‌ای این کشور نشان دهنده سطح بالای نیت تهاجمی جبهه مقاومت و توان آن در برقراری موازنه تهدید در برابر طرف مقابل به نفع ایران است (باقری و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷).

در اینجا تردیدی در نیت تهاجمی هم‌پیمانان ایران در جبهه مقاومت وجود ندارد، به این معنا که در صورت تهدید این کشور، احتمالاً منافع رقبا و دشمنان منطقه‌ای آن نیز در معرض تهدید قرار خواهد داشت. برای مثال، دستیابی به سطح بالاتر تسلیحات، توسط انصارالله یمن، توانمندی تهاجمی نیروهای هم‌پیمان ایران را برای تهدید عربستان و امارات متحده عربی افزایش داده است، اما فقط دستیابی به این توانمندی‌ها نیست که اهمیت دارد. نیت تهاجمی انصارالله در اعلام به کارگیری موشک‌های بالستیک و پیکادهای پیشرفته، بسیاری از معادلات آن منطقه را به نفع ایران تغییر می‌دهد و می‌تواند قدرت مانور این کشور را در چانه‌زنی چه بر سر منافع خود مردم یمن و یا محور مقاومت در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا افزایش دهد.

نقاط ضعف‌های محور مقاومت و امنیت ملی ج.ا.ایران

در کنار قابلیت‌های بالا، وجود محور مقاومت چالش‌ها و ضعف‌های را برای امنیت ملی و سیاست خارجی ایران در سطوح داخلی و منطقه‌ای ایجاد می‌نماید، موضوعی که مدیریت آن در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای بقای دکترین امنیتی آن در بلندمدت اهمیت بسیار دارد:

تحریم و تلاش برای مهار نفوذ ایران در محور مقاومت

چالش اساسی ایران در محور مقاومت، فشار سیاسی همه‌جانبه دولت‌های غربی و حامیان منطقه‌ای آنها برای مهار این کشور و پایان دادن به نفوذ آن در محور مقاومت است. این راهبرد مهار با ابزارهای مختلف نظیر تحریم، قراردادن این نیروها در فهرست تروریستی و اعمال فشارهای سیاسی و حقوقی، تعاملات سیاسی ایران با دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهمترین بعد این چالش در سال‌های اخیر، راهبرد فشار حداکثری دولت ترامپ بوده است که یکی از عوامل خروج دولت وی از برجام نیز تلقی می‌شده است. بخشی از چنین راهبرد مهار، اعمال گسترده‌ترین فشارهای سیاسی و تحریم‌ها علیه متحدان رسمی و غیررسمی ایران در محور مقاومت است. در این راستا؛ حزب‌الله لبنان، گردان‌های حزب‌الله، عصاب اهل الحق و دیگر نیروهای وفادار به ایران، از جمله رهبران آنها، به فهرست‌های مربوط به تروریسم کشورهای غربی قرار

گرفته‌اند. فشارهای سیاسی علیه ایران بر سر موضوع محور مقاومت جدا از بحث هسته‌ای و برجام، باید به ائتلاف سیاسی آمریکا در منطقه در سال‌های گذشته از جمله در قالب معامله قرن، صلح ابراهیم و یا حتی تشکیل ناتوی عربی اشاره کرد.

مشکلات اقتصادی و تداوم وابستگی مالی به ج.ا.ایران

علاوه بر هزینه‌های مستقیم نظامی و اقتصادی همکاری و حمایت ایران از محور مقاومت، در حال حاضر کشورها و جنبش‌هایی که در این محور تعریف می‌شوند، از جمله در عراق، لبنان، یمن و سوریه، اقتصادهای ضعیفی و یا درمانده‌ای دارند و در بیشتر بخش‌ها نیازمند بازسازی و سرمایه‌گذاری عظیم هستند. ایران با وجود حضور نظامی و یا نفوذ امنیتی فعالانه در این مناطق و کشورها، در خصوص برآورد نیازها و حل‌وفصل مسائل اقتصادی آن‌ها با مشکل مواجه است. همچنین به دلیل اینکه محور مقاومت چه بازیگران دولتی و چه غیردولتی، از نظر اقتصادی در وضعیت ضعیفی به سر می‌برند، بر تولید قدرت اقتصادی ایران تأثیر و کارایی چندانی ندارد. برای مثال، یمن فقیرترین کشور جهان عرب است و حتی اگر انصارالله موفق به تسلط کامل شود، بر کشوری کاملاً ویران‌شده حکومت خواهند کرد. حتی اگر بر شمال یمن غلبه کنند، آن‌ها متحدی بسیار ضعیف خواهند بود (Steinberg, 2021).

علاوه بر این، رقابت‌های تسلیحاتی در فضای موازنه تهدید، چالشی را برای راهبرد و دکترین دفاعی ایران ایجاد می‌کند، زیرا هزینه‌های زیادی برای بودجه محدود آن در پی دارد. هرچند امروزه ایران بیشترین هزینه نظامی را در غرب آسیا انجام نمی‌دهد، اما این کشور نیز به دلیل تحریم‌های آمریکا درآمد بسیار کمتری در اختیار دارد (Vatanka, 2021: 21). رقابت دائمی که در نظام موازنه تهدید بین دو جریان موافق و مخالف برقرار است، سطح بالایی از ظرفیت و توان کشورها را می‌گیرد. در اینجا محور مقاومت اعم از بازیگران دولتی و غیردولتی باید بخش عمده انرژی خود را صرف واکنش به تهدیدات طرف مقابل کند. این موضوع هم به لحاظ مادی و ثروت و قدرت و به هم لحاظ انگاره‌ای و گفتمانی و تمرکز می‌تواند فرآیندی تضعیف‌کننده باشد.

اختلاف در داخل ایران بر سر حمایت از جنبش مقاومت

افتراق در میان نخبگان سیاسی و جریان‌های مختلف بر سر تداوم پشتیبانی از محور مقاومت به شیوه کنونی یکی از جنبه‌های تهدیدزا برای ایران به شمار می‌آید. در این راستا، تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی و امنیتی ایران با چالش‌آفرینی غرب‌گرایان وطنی در زمینه حمایت این کشور از محور مقاومت و در کل، نفوذ منطقه‌ای آن روبه‌رو هستند که این موضوع به خصوص با توجه به مشکلات اقتصادی در داخل کشور، به عاملی برای ایجاد و تعمیق شکاف میان نظام و مردم بدل شده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۶). ایدئولوژی و خطر تفسیر شیعه‌گرایانه از جنبش مقاومت

خوانش ایدئولوژیکی از همکاری محور مقاومت با ایران چالش غیرقابل انکار دیگر برای این کشور است. برای مثال، در زمان ظهور گروه‌های تکفیری و تروریستی داعش در عراق و سوریه، ایران پشتیبانی لازم را در بخش‌های خاصی در جهان عرب بسیج کرد، اما تأکید بیش از حد این جنبش‌ها بر عنصر شیعه‌گری می‌تواند مشکلاتی را برای ایران ایجاد کند. از این منظر، تهدید تبدیل شدن ایران به یک قدرت شیعه برجسته می‌شود، در جهان اسلامی که شیعیان در آن اقلیت هستند و قدرت مانور ایران به فضای ژئوپلیتیکی شیعه محدود می‌گردد. این در حالی است که ایران نمی‌خواهد این روایت را برجسته نماید که این کشور یک قدرت مذهبی شیعه است و یا اینکه به دنبال گسترش نفوذ خود در کشورهای عربی با اکثریت سنی است (Vatanka, 2021: 21).

شکل‌گیری دولت ضعیف در منطقه

شکل‌گیری نیروهای غیررسمی و یا رسمی در سطح فروملی همانند نیروهای مقاومت به نوعی در موازات قدرت رسمی دولت قرار دارد و از این منظر، دولت‌های منطقه را در معرض شکنندگی و چالش قرار می‌دهد. این موضوع همکاری بلندمدت ایران با دولت‌های منطقه را زیر سؤال می‌برد. برای مثال، در واقع آنچه که توانمندی این نیروهای محور مقاومت در عراق تلقی می‌شود، همان چیزی است که دولت عراق در همراهی با آمریکا بر روی آن دست گذاشته است و می‌تواند ارتباطات و قدرت مانور همکاری این نیروها با ایران را با چالش مواجه کند.

این شکنندگی ساختار رسمی دولت به همین نسبت در لبنان نیز برقرار است، زیرا در ساختار سیاسی این کشور، تصمیمات اتخاذ شده در حوزه سیاسی تا حد زیادی توسط روابط قدرت منطقه‌ای و مداخلات حامیان منطقه‌ای و خارجی (ایران، عربستان سعودی، سوریه، ایالات متحده آمریکا، روسیه) شکل می‌گیرد (Balanche, 2019: 30-31). در این ساختار ضعیف، شکل‌گیری نیروی شبه نظامی در سطح حزب‌الله می‌تواند مشروعیت نیروی نظامی و امنیتی را زیر سؤال ببرد و قدرت موازی در ساختار حاکمیت این کشور شکل دهد. در این راستا، دولت در این کشور در سطوح مختلف تلاش دارد تا با نفوذ و افزایش قدرت حزب‌الله به ویژه در عرصه نظامی و امنیتی مبارزه کند.

امکان‌پذیری ناهمسویی مواضع سیاسی نیروهای مقاومت

هرچند همگرایی نسبی میان نیروهای اصلی عضو جبهه مقاومت وجود دارد و در این راستا سطح بالایی از تعامل میان حزب‌الله و ایران وجود دارد، اما این همگرایی با همه نیروهای اعم از دولتی و غیردولتی محور مقاومت در یک سطح نیست. برای مثال، به رغم همکاری و کمک نظامی، سیاسی و مالی ایران به حماس در مقابله با رژیم صهیونیستی در چند دهه گذشته، این جنبش پس از بیداری اسلامی و به‌ویژه در پی جنگ داخلی سوریه با ایران دچار اختلاف و برای چند سال از محور مقاومت دور شد (Bodetti, 2015: 5).

خطر ورود ایران به رویارویی مستقیم با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در طول چند دهه گذشته، فقدان متحدان دولتی، انبوهی از دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی با منابع خوب، و نیروهای مسلح قدیمی و تحریم‌شده، ایران را به سمتی دکترین نظامی رهنمون ساخته است که از درگیری مستقیم یا گسترده با قدرت‌های متعارف برتر اجتناب می‌نماید (IISS, 2019). با این حال، سطح درگیری‌ها و افزایش تنش‌ها در پیرامون محور مقاومت در چند سال گذشته، خطر درگیری ایران با رقبای دولت‌های متخاصم از جمله آمریکا را تقویت کرده است. برای مثال، در پی ترور سردار سلیمانی، خطر ورود به درگیری یا رویارویی مستقیم‌تر با آمریکا بسیار بالا رفت (Vatanka, 2021: 21).

تقویت اتحاد محور سازش

ویژگی اصلی نظام موازنه تهدید، تلاش برای برقراری موازنه در برابر طرف مقابل در یک رقابت بی‌انتهاست. در اینجا هرچه قدر نیروهای بیشتری به جبهه مقاومت پیوندند و سطح و توان موازنه تهدید آن از منظرهای مختلف نظیر عناصر قدرت کلی، دسترسی، توانمندی تهاجمی خاص و نیت تهاجمی کنشگران آن افزایش یابد، به همان نسبت می‌توان پیش‌بینی کرد، خطوط درگیری در جبهه دشمن و رقیب نیز روشن‌تر و به اتحاد و انسجام بیشتری برسند. این موضوع به لحاظ راهبردی برای ایران، در معادلات امنیتی غرب آسیا چالش ایجاد می‌کند. برای مثال، اگر رژیم صهیونیستی در برقراری روابط دیپلماتیک با بقیه کشورهای عربی موفق شود، به یک بازیگر اصلی تبدیل خواهد شد، زیرا باعث ایجاد اختلاف در شورای همکاری خلیج فارس خواهد شد که ممکن است موقعیت ایران در شورای همکاری خلیج فارس بیشتر تضعیف شود (Jose & Fathun, 2021: 44).

روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و نوع تحقیق نیز کیفی است. قلمرو زمانی پژوهش از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۲۱ را شامل می‌شود. قلمرو موضوعی پژوهش نیز در حوزه سیاست خارجی و روابط خارجی کشورها قرار می‌گیرد. ابزار گردآوری اطلاعات، روش میدانی و کتابخانه‌ای است و در این ارتباط، فرصت‌ها و چالش‌های محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران احصا شده و رابطه این دو متغیر مورد واکاوی قرار می‌گیرد. گام نخست مطالعات کتابخانه‌ای بود که ۴۳ شاخص به شرح جدول زیر در پرتو نظریه موازنه تهدید استفن والت استخراج شد.

جدول شماره ۱- شاخص‌های تأثیرگذاری (چالش/تهدید و فرصت/قابلیت محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران)

فرصت/ تهدید	مؤلفه‌های موازنه تهدید	شاخص‌های تأثیر گذار
فرصت‌ها/ قابلیت‌ها	ارتقای عناصر قدرت کلی برای اتحاد علیه دشمنان	جمعیت قابل ملاحظه و افزایش بسیج مردمی منابع اقتصادی و طبیعی بازارهای غنی کشورهای محور مقاومت افزایش توانمندی دفاعی، نظامی و رزمی توسعه گفتمان انقلاب اسلامی ارتقای هویت اسلامی کاهش هزینه‌های سیاسی و مالی جنگ
	قرار گرفتن در مجاورت و فاصله نزدیک جغرافیایی با دشمنان	افزایش امکان چانه‌زنی ایران در عرصه منطقه‌ای با اردوگاه رقیب مقاومت بیشتر در برابر فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل پاسخ مناسب و سریع به هر گونه تهدید از سوی دشمنان در مواقع بحرانی دفع خطر و تهدید بدون حضور مستقیم در مرزهای دشمن درگیر کردن دشمنان در محدوده جغرافیایی پیرامون خود جلوگیری از تهدیدات نظامی و غیرنظامی دشمن در منطقه جغرافیایی قدرت مانور بالاتر به دلیل پراکندگی و تنوع مناطق حضور
	قدرت تهاجمی محور مقاومت	امکان دفاع فعال بر خورنداری نیروهای مقاومت از توانمندی نظامی ویژه ایدئولوژی دامن‌گستر قدرت بسیج منحصربه‌فرد و فراگیر وضعیت متنوع و نامتجانس محورهای مقاومت
	تصور و نیت تهاجمی محور مقاومت	گفتمان مخالف وضع موجود در منطقه عدم تردید نیت تهاجمی هم‌پیمانان در محور مقاومت قاطعیت نیروهای مقاومت برای وارد کردن ضربه دوم و اقدامات تلافی‌جویانه علیه حریفان ایران
تهدیدات/ چالش‌ها	فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران به دلیل محور مقاومت	فشار سیاسی همه‌جانبه دولت‌های غربی و حامیان منطقه‌ای آن‌ها اعمال تحریم علیه ایران تروریستی اعلام کردن نیروهای مقاومت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشدید ائتلاف سیاسی در منطقه بر علیه ایران

فرصت/ تهدید	مؤلفه‌های موازنه تهدید	شاخص‌های تأثیر گذار
	مشکلات اقتصادی و تداوم وابستگی مالی به ج.ا.ایران	نیازمندی محور مقاومت به بازسازی و سرمایه‌گذاری عظیم اقتصادهای ضعیف و در مانده محور مقاومت تحمیل هزینه‌های زیاد نظامی بر ایران قرار گرفتن در بستر رقابت دائمی تسلیحاتی
	اختلاف در داخل ایران بر سر حمایت از جنبش مقاومت	افتراق در میان نخبگان سیاسی و جریان‌های مختلف ایران بر سر تداوم پشتیبانی از محور مقاومت ایجاد و تعمیق شکاف میان نظام و مردم
	ایدئولوژی و خطر تفسیر شیعه‌گرایانه از جنبش مقاومت	محدود شدن قدرت مانور ایران به فضای ژئوپلیتیکی شیعه شیعه‌هراسی
	شکل‌گیری دولت ضعیف در منطقه	شکندگی و چالش دولت رسمی در برابر نیروهای غیررسمی و فروملی زیر سؤال رفتن همکاری بلندمدت ایران با دولت‌های منطقه مبارزه دولت‌ها با کاهش قدرت نیروهای محور مقاومت در سطح فروملی
	امکان‌پذیری ناهمسویی مواضع سیاسی نیروهای مقاومت	تفاوت در میزان همگرایی نیروهای مقاومت با ایران امکان بروز اختلاف و دور شدن از محور مقاومت
	خطر رویارویی مستقیم با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	افزایش سطح درگیری‌ها و تنش‌ها با دولت‌های منطقه و فرامنطقه خطر بروز جنگ
	تقویت اتحاد محور سازش	تقویت خطوط درگیری در جبهه دشمن و رقیب افزایش مخالفان در محور رقیب

مرحله بعدی پژوهش، آزمون میدانی تأثیر این شاخص‌ها بر امنیت ملی ج.ا.ایران است. برای این منظور، پرسشنامه محقق ساخته‌ای براساس شاخص‌های بالا فراهم گردید و سپس روایی این پرسشنامه محقق ساخته از طریق اعتبار محتوا مشخص و ضریب پایایی آن با توزیع کردن پرسشنامه میان ۱۲ خبره و سنجش پاسخ‌ها با آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفته که نتیجه ۰/۸۵ به دست آمده است. سپس جامعه آماری تحقیق مبتنی بر ۵۰ نفر از دانشجویان مقاطع تکمیلی در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل شکل گرفت. در مرحله پایانی به سنجش نظر جامعه آماری در خصوص میزان شاخص‌های تأثیرگذار محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران پرداخته شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها:

همانطور که اشاره شد، در مبانی نظری و مفهومی پژوهش، تمامی فرصت‌ها/قابلیت‌ها و چالش‌ها/تهدیدات محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. در مراحل بعد، هریک از فرصت‌ها و چالش‌ها به عنوان شاخص و مؤلفه تحقیق مدنظر قرار گرفته و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران به عنوان متغیر، سنجش و اندازه‌گیری کمی می‌شوند. در اینجا، پرسشنامه محقق ساخته در اختیار ۵۰ نفر از حجم نمونه گذاشته شد تا براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) مهمترین فرصت‌ها و چالش‌های تأثیرگذار محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران را تعیین نمایند. در نهایت پاسخ‌نامه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شرح جدول شماره ۱ در ذیل آمده است:

جدول شماره ۲- میزان تأثیرگذاری (چالش/تهدید و فرصت/قابلیت) محور مقاومت برای امنیت ملی ج.ا.ایران

فرصت/تهدید	شاخص‌های تأثیرگذار	امتیاز
فرصت‌ها/قابلیت‌ها	جمعیت قابل ملاحظه و افزایش بسیج مردمی	۲/۴
	منابع اقتصادی و طبیعی	۱/۴
	بازارهای غنی کشورهای محور مقاومت	۳/۴
	افزایش توانمندی دفاعی، نظامی و رزمی	۷/۴
	توسعه گفتمان انقلاب اسلامی	۸/۴
	ارتقای هویت اسلامی	۸/۴
	کاهش هزینه‌های سیاسی و مالی جنگ	۴/۴
	افزایش امکان چانه‌زنی ایران در عرصه منطقه‌ای با اردوگاه رقیب	۸/۴
	مقاومت بیشتر در برابر فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل	۴/۴
	پاسخ مناسب و سریع به هرگونه تهدید از سوی دشمنان در مواقع بحرانی	۷/۴
	دفع خطر و تهدید بدون حضور مستقیم در مرزهای دشمن	۴/۴
	درگیر کردن دشمنان در محدوده جغرافیایی پیرامون خود	۶/۴
	جلوگیری از تهدیدات نظامی و غیرنظامی دشمن در منطقه جغرافیایی	۴/۴
	قدرت مانور بالاتر به دلیل پراکندگی و تنوع مناطق حضور	۸/۴
	امکان دفاع فعال	۴/۴
	برخورداری نیروهای مقاومت از توانمندی نظامی ویژه	۵/۴
	ایدئولوژی دامن‌گستر	۵/۴

فرصت/تهدید	شاخص‌های تأثیر گذار	امتیاز
	قدرت بسیج منحصر به فرد و فراگیر	۴/۴
	وضعیت متنوع و نامتجانس محورهای مقاومت	۳/۴
	گفتمان مخالف وضع موجود در منطقه	۴/۴
	عدم تردید نيات تهاجمی هم‌پیمانان در محور مقاومت	۷/۴
	قاطعیت نیروهای مقاومت برای وارد کردن ضربه دوم و اقدامات تلافی‌جویانه علیه حریفان	۵/۴
تهدیدات/چالش‌ها	فشار سیاسی همه‌جانبه دولت‌های غربی و حامیان منطقه‌ای آن‌ها	۴/۴
	اعمال تحریم علیه ایران	۵/۴
	تروریستی اعلام کردن نیروهای مقاومت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۵/۴
	تشدید ائتلاف سیاسی در منطقه بر علیه ایران	۸/۴
	نیازمندی محور مقاومت به بازسازی و سرمایه‌گذاری عظیم	۲/۴
	اقتصادهای ضعیف و در مانده محور مقاومت	۳/۴
	تحمیل هزینه‌های زیاد نظامی بر ایران	۵/۴
	قرار گرفتن در بستر رقابت دائمی تسلیحاتی	۴/۴
	افتراق در میان نخبگان سیاسی و جریان‌های مختلف ایران بر سر پشتیبانی از محور مقاومت	۴/۴
	ایجاد و تعمیق شکاف میان نظام و مردم	۳/۴
	محدود شدن قدرت مانور ایران به فضای ژئوپلیتیکی شیعه	۶/۴
	شیعه‌هراسی	۶/۴
	شکندگی و چالش دولت رسمی در برابر نیروهای غیررسمی و فروملی	۴/۴
	زیر سؤال رفتن همکاری بلندمدت ایران با دولت‌های منطقه	۵/۴
	مبارزه دولت‌ها برای کاهش قدرت نیروهای محور مقاومت در سطح فروملی	۴/۴
	تفاوت در میزان همگرایی نیروهای مقاومت با ایران	۳/۴
	امکان بروز اختلاف و دور شدن از محور مقاومت	۷/۴

فرصت/تهدید	شاخص‌های تأثیرگذار	امتیاز
	افزایش سطح درگیری‌ها و تنش‌ها با دولت‌های منطقه و فرمانطقه	۸/۴
	خطر بروز جنگ	۷/۴
	تقویت خطوط درگیری در جبهه دشمن و رقیب	۸/۴
	افزایش مخالفان در محور رقیب	۶/۴

در خاتمه با توجه به داده‌های مندرج در جدول شماره ۲، شاخص‌هایی که درجه امتیاز ۴/۵ به بالا را به دست آورده بودند (طیف خیلی زیاد) مستخرج و به عنوان مهمترین فرصت‌ها/قابلیت‌ها و چالش‌ها/تهدیدات تأثیرگذار محور مقاومت بر امنیت ملی ج.ا.ایران مدنظر قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری:

محور مقاومت یک نظام امنیت منطقه‌ای مبتنی بر موازنه تهدید در منطقه غرب آسیا به شمار می‌آید که بازیگران دولتی و غیردولتی با پیشرانی و اقدامات اعتمادساز ایران در قالب اتحاد و ائتلاف رسمی و غیررسمی به آن پیوسته‌اند. وجود محور مقاومت از منظر امنیت ملی و سیاست خارجی، آثار و پیامدهای مثبت و چالش‌ها و تهدیداتی برای ج.ا.ایران در پی دارد.

با عنایت به مؤلفه‌های چهارگانه نظریه موازنه تهدید استفن والت و آزمون شاخص‌های منبعث از آن، یافته‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

- از منظر عناصر کلی قدرت وجود محور مقاومت با توجه به افزایش توانمندی دفاعی، نظامی و رزمی؛ توسعه گفتمان انقلاب اسلامی و ارتقای هویت اسلامی بر امنیت ملی ج.ا.ایران تأثیر مثبت دارد. همچنین نظر به قرار گرفتن محور مقاومت در مجاورت و فاصله نزدیک جغرافیایی با دشمنان ایران، این موضوع با توجه افزایش امکان چانه‌زنی ایران درعرصه منطقه‌ای با اردوگاه رقیب، پاسخ مناسب و سریع به هرگونه تهدید از سوی دشمنان در مواقع بحرانی، درگیر کردن دشمنان در محدوده جغرافیایی پیرامون خود و ایجاد قدرت مانور بالاتر، محور مقاومت برای امنیت ملی ج.ا.ایران فرصت‌آفرین است. از منظر قدرت تهاجمی نیز محور مقاومت با برخورداری از توانمندی نظامی ویژه و ایدئولوژی دامن‌گستر برای امنیت ج.ا.ایران ایجاد قابلیت مثبت فراهم می‌نماید. در نهایت، محور مقاومت به دلیل عدم تردید نیات تهاجمی آن و قاطعیت این نیروها برای وارد کردن ضربه دوم و اقدامات تلافی‌جویانه علیه حریفان ایران بر امنیت ملی ج.ا.ایران تأثیرگذاری مثبت دارد.
- در خصوص مهمترین تهدیدات و چالش‌های محور مقاومت از منظر شاخص‌هایی که بیشترین تأثیر را بر امنیت ملی ج.ا.ایران دارد، باید به تروریستی اعلام کردن نیروهای مقاومت به همراه سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی و افزایش تحریم‌ها علیه ایران، تشدید ائتلاف سیاسی در منطقه بر علیه ایران، تحمیل هزینه‌های زیاد نظامی بر ایران، محدود شدن قدرت مانور ایران به فضای ژئوپلیتیکی شیعه، شیعه‌هراسی، زیرسؤال رفتن همکاری بلندمدت ایران با دولت‌های منطقه، امکان بروز اختلاف در محور مقاومت، افزایش سطح درگیری‌ها و تنش‌ها با دولت‌های منطقه و فرامنطقه، خطر بروز جنگ، تقویت خطوط درگیری در جبهه دشمن و رقیب و افزایش مخالفان در محور رقیب اشاره داشت.

راهکارها:

محور مقاومت برای امنیت ملی و منافع ایران این امکان را فراهم می‌کند که از قدرت مانور عملیاتی - تهاجمی بیشتری در سراسر غرب آسیا در برابر رقیبا و دشمنانش برخوردار باشد و با عنایت به سطح علایق و وابستگی این نیروها به ایران، در همان حال نیات تهاجمی قابل توجهی شکل می‌دهد و موازنه تهدید لازم را به منظور بازدارندگی در مقابل ائتلاف‌ها و اتحادهای رقیب و متخاصم در منطقه غرب آسیا خلق می‌کند. در کنار فرصت‌ها و مزایا، محور مقاومت دارای آسیب‌پذیری‌ها، چالش‌ها و ضعف‌هایی است که می‌تواند قابل بهره‌برداری توسط رقیبا و کشورهای متخاصم منطقه بر علیه ایران و منافع و امنیت ملی آن باشد و از این منظر، سیاستگذاران ج.ا.ایران می‌توانند پیشنهادات ذیل را مدنظر قرار دهند:

- **چندبعدی ساختن محور مقاومت:** هرچند اتحاد بین ایران و محور مقاومت به عنصر پایدار در بازی قدرت سیاسی غرب آسیا تبدیل شده، اما همواره از تعمیق این اتحاد و توسعه مناسبات به سطح فرهنگی و اقتصادی غفلت صورت گرفته است و در این ارتباط، لازم است ایران در قالب محور مقاومت با اقداماتی در سطوح زیربنایی، عناصر اقتصادی، فرهنگی و مذهبی را با یکدیگر پیوند دهند.
- **تعمیق همگرایی اقتصادی:** تلاش برای تعمیق همگرایی اقتصادی با همسایگان غربی در راستای ترغیب به بی‌طرفی و یابیشینه‌سازی هزینه اقدام علیه ج.ا.ایران و تعیین دقیق موضع راهبردی ایران در قبال چشم‌انداز روابط با کشورهای عرب همسایه در سطوح عالی کشور.
- **نهادینه‌سازی محور مقاومت:** «نهادینه‌سازی» نیروهای غیررسمی محور مقاومت با ورود بخشی از نیروهای مقاومت در قالب نیروهای نظامی رسمی کشورهای مقاومت در قالب موازی (مانند الگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) اهمیت دارد. ایران به چنین بازیگرانی می‌تواند کمک کند تا به پایگاه‌های دائمی سیاسی محور مقاومت در کشورهایشان تبدیل شوند.
- **گفتمان سازی در داخل و اقناع مخالفین:** باتوجه به مخالفت تعدادی از گروه‌ها و جریانهای داخلی با حمایت ایران از محور مقاومت، لازم است با بهره‌برداری از ظرفیت نهاد های فرهنگی و دانشگاهی کشور، ضرورت حمایت ج.ا.ایران از محور مقاومت به عنوان یکی از عناصر اصلی قدرت منطقه‌ای، تبیین و تدوین گردد تا همصدایی و انسجام بیشتری برای حمایت از محور مقاومت در داخل ایجاد گردد.

منابع:

- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی ج.ا.ایران»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۴، صص ۲۰-۱.
- باقری‌نژاد، سید اصغر و قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰)، «نقش تفکر انقلاب اسلامی و محور مقاومت در قبال سوریه بر اساس نظریه استفان والت»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۹۱(۲۰)، صص ۱۲۹-۱۰۳.
- باقری، محسن؛ امیدی، علی و یزدانی، غنایت‌الله (۱۴۰۰)، «محور تمرکز بر استراتژیک ج.ا.ایران»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۰، صص ۹۲-۶۶۵.
- بیات، مرتضی (۱۳۹۰)، «تأثیر جبهه مقاومت اسلامی، رهبری ایران بر ژئوپلیتیک خاورمیانه (بررسی موردی الحوثی‌ها در یمن)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.
- حسینی فهرجی، مجتبی و دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۹)، «آینده پژوهی استراتژی منطقه‌ای ایران در پرتو بحران یمن»، رویکردهای سیاسی و بین‌المللی، ۱۱ (۳)، صص ۱۷۴-۱۴۷.
- ربیعی، حسین؛ نقدی، جعفر و نجفی سجاد (۱۳۹۶)، «بحران سوریه و امنیت ملی ایران»، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۰، صص ۸۸-۶۱.
- شاهقلیان قهفرخی، رضا، و سلیمانی، باقر (۱۳۹۹)، «شناسایی مولفه‌های حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت و تأثیرسنجی آن بر امنیت ج.ا.ایران»، آفاق امنیت، ۱۳(۴۸)، صص ۱۰۷-۷۷.
- شکوری، ابوالفضل و وزیریان، امیرحسین (۱۳۹۸)، «احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۰۵-۲۰۱۷)»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۸، صص ۳۰-۱.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی ج.ا.ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۳۴-۵.
- قربانی، مصطفی؛ غفاری، سلیمان و کارگر شورکی، علی (۱۳۹۹)، «راهبردنگاری نقش‌آفرینی ج.ا.ایران در محور مقاومت اسلامی با تحلیل SWOT»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۹ (۱)، صص ۱۷۶-۱۵۵.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، «نقش ج.ا.ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۲۰، صص ۱۴-۱.
- گلشنی، علیرضا و باقری، محسن (۱۳۹۰)، «جایگاه حزب اله لبنان در استراتژی بازدارندگی ج.ا.ایران»، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۴)، صص ۱۵۶-۱۲۳.
- مرادی، محمدرضا (۱۴۰۰/۱۰/۳)، «مختصات عملیات موازنه بازدارندگی هشتم انصارالله»، مشاهده آنلاین در: <https://kayhan.ir/fa/news/230694/>
- American Jewish Committee (no date), «Hezbollah's Military and Political Strength», <https://www.ajc.org/news/hezbollahs-military-and-political-strength->

factsheet-11

- Bahgat, G., & Ehteshami, A. (2021), “Iran’s Threat Perceptions”. In **Defending Iran: From Revolutionary Guards to Ballistic Missiles** (pp. 14-46). Cambridge: Cambridge University Press.
- Balanche, Fabrice (2019), «**The Geopolitics of Lebanon in the Renewed Regional Tensions**», VERDEIL, Eric; FAOUR, Ghaleb; and HAMZÉ, Mouin (ed.), **Atlas of Lebanon: New Challenges**, Beyrouth: Presses de l’Ifpo.
- Bodetti, Austin (2015), “**Hamas Is Running Out of Allies**”, War Is Boring, <https://warisboring.com/hamas-is-running-out-of-allies/>
- CARMI, OMER (2017), “**Deconstructing and Countering the Iran Threat Network**”. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/deconstructing-and-countering-iran-threat-network>
- Cordesman, Anthony H., and Grace Hwang (2019), “**The First Key Shift in the Military Balance: Changes in the Regional Struggle for Strategic Control and Influence**”, **Iran and the Changing Military Balance in the Gulf: Net Assessment Indicators**, Center for Strategic and International Studies (CSIS), pp. 73–104
- Dehshiri, M and Maghami, I (2016), “**Islamic Awakening and Formations New Geometry in the Middle East**”, **Quarterly Journal of Political Research in The Islamic World**, 5 (4), 175-218.
- Elman, Colin (2007), “**Realism**”, in **International Relations Theory for the Twenty-First Century: An introduction**, Martin Griffiths, London & New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Gelbart, Jonathan, (2010), “**The Iran-Syria Axis: A Critical Investigation**”, **Stanford Journal of International Relations**, 12 (1), pp. 36-42.
- Goodrich, Ben (2004), “**Alliance Formation and International Relation Theory**”, **Government** 2710- Week09, Response Paper, April. pp.1-2
- Guido Steinberg (2021), “**The Axis of Resistance: Iran’s Expansion in the Middle East Is Hitting a Wall**”, <https://www.swp-berlin.org/10.18449/2021RP06/>
- Hage Ali, Mohanad (2019), “**Power Points Defining the Syria-Hezbollah**

- Relationship**", Carnegie Endowment for International Peace, <https://carnegie-mec.org/2019/03/29/power-points-defining-syria-hezbollah-relationship-pub-78730>
- IISS (2019), "**Iran's Networks of Influence in the Middle East**", <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier>
 - Inbar, Ifraim (2013), "**Israel's Interests in Syria**", BESA Center Perspectives Paper No. p. 215.
 - Jose, H., & Fathun, L. (2021), "**US – Iran Proxy War in Middle East Under Trump Administration**", Journal of Political Issues, 3(1), 36-48.
 - Mapping Militant Organizations. "**Hezbollah.**" Stanford University. Last modified July 2019. <https://cisac.fsi.stanford.edu/mappingmilitants/profiles/hezbollah>.
 - McInnis J. M. (2016), "**Iranian Deterrence Strategy and the Use of Proxies**", Available at: https://www.foreign.senate.gov/imo/media/doc/112916_McInnis_Testimony.pdf.
 - Moshirzadeh, H (2010), "**Domestic Ideational of Iran's Foreign Policy**", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol.1. No.1.
 - Mohseni, Payam and Ahmadian, Hassan (2018), "**What Iran Really Wants in Syria**", <https://foreignpolicy.com/2018/05/10/what-iran-really-wants-in-syria>.
 - Mumford, A. (2013), "**Proxy Warfare and the Future of Conflict**", The RUSI Journal, 158(2), pp. 40-46.
 - Robinson, Kali and Mellow, Will (March 1, 2021), "**Iran's Regional Armed Network**", <https://www.cfr.org/article/irans-regional-armed-network>.
 - Salem, Paul (2014), "**The Middle East in 2015 and Beyond: Trends and Drivers**", The Middle East Institute.
 - Stratfor Worldview (Jul 10, 2014). "**Examining Hamas' Rockets**", Retrieved from <https://worldview.stratfor.com/article/examining-hamas-rockets>.
 - Tabatabai, Ariane M., Jeffrey Martini, and Becca Wasser (2021), **The Iran Threat Network (ITN): Four Models of Iran's Nonstate Client Partnerships**. Santa Monica, CA: RAND Corporation. https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR4231.html.

- Vatanka, A. (2021), Conclusion: Is “**Forward Defense**” A Sustainable Military Doctrine? In **Whither the IRGC of the 2020s?: Is Iran’s Proxy Warfare Strategy of Forward Defense Sustainable?** (pp. 20–23). New America.
- Walt, S. M. (1987), **The Origins of Alliances**, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Walt, S. M. (2000) “**Containing rogues and renegades: coalition strategies and counter proliferation**”, in V.A. Utgoff (ed.), **The Coming Crisis: Nuclear Proliferation, U.S. Interests and World Order**, Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Walt, Stephen (2018), **the Hell of Good Intentions: America’s Foreign Policy Elite and the Decline of U.S. Primacy**, New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Waltz, K. N. (1979), **Theory of International Politics**, 1st ed, Reading, Mass: AddisonWesley.
- Wither, J. K. (2020), “**Outsourcing warfare: Proxy forces in contemporary armed conflicts**”, *Security and Defense Quarterly*, 31(4), 17-34.